

بررسی میزان ترجمه‌پذیری تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

دکتر حسین وثوقی
دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

در این تحقیق نگارنده مقدماً مروری دارد بر ویژگیهای ادبیات و تمایز آن با زبان، چه از دیدگاه زبان‌شناسان مکتب پراگ و چه از نقطه نظر شکل‌گرایان روسی قرن حاضر. آنگاه با استفاده از نظریه "برجسته‌سازی" صورت زبان و "نقش زیبایی‌شناختی" آن که به وسیله شکل‌گرایان روسی مثل ماکار اوسکی و بعدها به وسیله لیچ مطرح شده است، دو فرایند "هنجارگریزی" و "قاعده‌افزایی" بر قواعد مرسوم زبان را مورد توجه قرار می‌دهد.

نگارنده، آنگاه بر این اصل تأکید می‌ورزد که برای بررسی کیفی و توصیف معادلهای ترجمه ادبی لازم است به بررسی معادلهای ترجمه‌ای تمامی این آرایه‌های ادبی به طور مجزا و عینی پرداخته شود و نتایج صوری و کمی آنها مشخص و توصیف گردد.

نگارنده بر اساس همان تأکید، به بررسی یکی از صنایع ادبی یعنی تشبیه می‌پردازد و ضمن تعریف و بررسی معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات مطلق یا صریح فارسی در زبان انگلیسی، به شش الگوی ترجمه‌ای می‌رسد که از بین ساختهای ترجمه شده استنتاج می‌نماید و آنها را از نظر زبان‌شناختی توصیف می‌کند و فرضیه‌هایی را که در آغاز بررسی در مورد انواع ساختارهای ترجمه‌ای فرمول‌بندی نموده مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار می‌دهد.

مقدمه

سخن از ترجمه ادبی و ادبیات در ترجمه‌بختی بسیار کلی و فراگیر است و بررسی گسترده‌ای را می‌طلبد که از حوصله یک سخنرانی یا مقاله کوتاه بیرون است. به همین دلیل سعی شد در این گفتار تنها به یک جنبه خاص و محدود ادبی یعنی تشبیه پرداخته شود. برای انجام این مهم تشبیهاتی از فردوسی را که در داستان "بیزن و منیژه" و "رستم و سهراب" به کار برده شده است مورد توجه قرار می‌دهیم و نیز برای این که چهارچوب مشخصی را برای بحث خود فراهم آورده باشیم، ابتدا تعریف مجملی از ادبیات را تا آن حد که برای مطالعه خاص ما متناسب باشد بیان می‌داریم.

الف: ادبیات چیست؟

به طور کلی، ادبیات یک پدیده هنری است؛ همچون نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی و غیره که با ابزار زبان

متجلی می‌گردد. گرچه نه زبان ادبیات است و نه ادبیات زبان، رابطه تنگاتنگی بین این دو پدیده اجتماعی انسان وجود دارد که این دو را به هم پیوند می‌دهد یا از هم مجزا می‌سازد؛ اما تفکیک آنها، بهر حال، کاری پیچیده، علمی و متفکرانه است. به همین دلیل دیدگاه‌های متفاوت و نظرات بسیار متنوع در طول تاریخ درباره این دو پدیده و ویژگیهای متفاوت آنها بیان شده است که ما در این جا از همه آنها صرف نظر می‌کنیم و فقط دو نظریه را که به بحث ماکمک شایانی می‌نمایند به طور مجمل مطرح می‌سازیم.

یکی از این دو نظریه، دیدگاه زبان‌شناسان قرن بیستم است مانند یا کوپسن^۱ که برای زبان عملکردها و وظایفی قائلند و "ادبیات" را نیز جزء یکی از نقشهای زبان برمی‌شمارند و آن را "نقش ادبی" زبان می‌نامند. این دسته از زبان‌شناسان "ادبیات" را از سایر شکلهای کاربردی زبان مجزا می‌سازند (صفوی ۱۳۷۳)

دوم نظریه شکل‌گرایان^۲ یا فرمالیستهایی چون یان ماکاراوسکی^۳ که بر نقش زیبایی‌شناختی^۴ زبان به عنوان یک عامل دائماً متغیر و پویای ساختار هنری تأکید دارند (سلیدن ۱۹۸۵) و بعد از او لیچ^۵ می‌باشد که کاربرد زبان به وسیله انسان را به دو گونه متمایز ساخته است: یکی کاربرد خودکار^۶ که بیشتر پیام و محتوای زبان را در برمی‌گیرد یعنی آن چه که زبان برای انتقالش به کار برده می‌شود و دیگری برجسته‌سازی^۷ زبان، یعنی چشمگیر و جذاب ساختن شکل زبان به گونه‌ای که ساختار و قالب زبان به نوعی هنرمندانه و زیباشناختی تجلی نماید. در این راستا شکل‌گرایان توجه به جنبه ادبیات و شکل تأثیرگذار و عاطفی زبان دارند.

ب: فرایند برجسته‌سازی

شکل‌گرایان، عمل برجسته‌سازی زبان را به دو گونه امکان‌پذیر می‌دانند: یکی "هنجارگریزی"^۸ که عبارت است از انحراف از قواعد معمول و روابط عادی در کاربرد زبان و بکارگیری آن برخلاف قواعد مرسوم و روابط متداول بین اجزاء و عناصر زبان. و دیگری "افزایش قواعد"^۹ بر قواعد معمول و موجود در کارکرد "خودکار" زبان که ویژگی خاصی را به آن می‌بخشد که آن ویژگی در کاربرد معمولی آن زبان وجود ندارد (صفوی ۱۳۷۳)، این قاعده‌افزایی در اثر تکرار یا بسامد بالا، مشخص می‌شود و متجلی می‌گردد.

ج: صناعات ادبی^{۱۰}

آنچه به طور سنتی و از نظر ادیبان زبان فارسی (و احياناً زبان عربی) ویژگیهای خاص ادبیات دانسته شده است و کاربرد این ویژگی‌ها بر زبان آن را به شکل ادبی تبدیل می‌کند، عبارت است از "صناعات ادبی". صناعات ادبی مجموعه‌ای از فنون و تکنیکها یا فرایندهایی هستند که بخصوص برای برجسته‌سازی متن زبان به آن اضافه می‌شوند تا به طور هنرمندانه و تخصصی ساختار آن را نغز، پرتلاؤ و آذین‌بندی نمایند و نوعی هاله‌های عاطفی و احساس برانگیز و جذابیت و شیوایی را به شکل زبان ببخشند و مخلص کلام این که به خلق نوعی کاربرد ادبی زبان بپردازند و به گونه‌ای به قول فرمالیستها ساختار متن را برجسته سازند.

ما در این مقال به تاریخچه صناعات ادبی، کاربرد آن در ادب فارسی و تعداد آنها نمی‌پردازیم، اما آنچه مسلم است در ادبیات فارسی و بخصوص در قرن حاضر (جلال همایی ۱۳۳۹ و متعاقب او روح‌الله هادی ۱۳۷۳) آنها را

به زیر طبقات کوچکتري دسته‌بندی کرده‌اند که به طور تقریب در جدول زیر نشان می‌دهیم:

<p>الف: بیان^{۱۱} (تشبیه، استعاره (تشخیصی)، مجاز، کنایه)</p> <p>(۱) لفظی: (واج آرایي، سجع، جناس، اشتقاق، تصویر، تکرار و غیره)</p> <p>(۲) معنوی: (مراعات النظیر، تسلیم، تضمین، تضاد سه نوع، حسامیزی، ایهام، لف و نشر، اغراق، تمثیل، حسن تعلیل و غیره)</p>	<p>ب: بدیع^{۱۲}</p>	<p>صناعات ادبی</p>
--	-----------------------------	--------------------

لذا، همان‌گونه که از نمودار بالا ملاحظه می‌گردد صناعات ادبی ابتدا به دو زیرگروه اصلی متمایز می‌گردند: یکی "بیان" که از چهار صنعت (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه) تشکیل می‌شود و دیگری "بدیع" که خود دو گونه مهم دارد یکی بدیع لفظی و دیگری بدیع معنوی که هر کدام انواع متنوع و زیادی دارند که مهمترین و متداولترین آنها در جدول بالا عرضه گردید. تعداد کل صناعات ادبی که در فارسی به کار برده می‌شوند بیش از ۱۵۰ فقره دانسته شده‌اند (همائی ۱۳۳۹ به نقل از داد، ۱۳۷۱ ذیل صنایع بدیع، صص ۲۰۳-۲۰۲). "امروزه انواع صناعات بدیعی^{۱۳} بر دویست و بیست صنعت بالغ می‌شود که بسیاری از آنها تکراری است." (داد ۱۳۷۱ ص ۲۰۳)

برای بررسی ترجمه متون ادبی، به نظر نگارنده لازم است که علاوه بر مطالعه جنبه‌های مختلف کیفی آن، کمیّت ترجمه‌پذیری هر یک از این صناعات ادبی از زبانی به زبان دیگر به‌طور عینی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل مقابله‌ای قرار گیرد و چگونگی معادلهای ترجمه هر یک به زبان گیر^{۱۴} از نظر عملی و طبیعی مطالعه گردد و مورد بحث و ارزشیابی قرار گیرد تا بهتر و دقیق‌تر بتوانیم با میزان ترجمه‌پذیری آنها آشنا شویم. به همین دلیل خاص و مهم، نگارنده بر آن شد که تنها به بررسی معادلهای ترجمه‌ای یکی از این صناعات ادبی که همان نخستین صنعت بیان یعنی تشبیه است مبادرت ورزد و برای نخستین بار به این نوع بررسی کمی در کار ترجمه دست بزند به این امید که این نوع ترجمه‌شناسی مقابله‌ای را باب نماید و از این طریق مساعدتی به پیشرفت مطالعات ترجمه‌شناسی کرده باشد و کار ترجمه‌شناسی و مطالعه مکانیسمها و راهکارهای ترجمه را به گونه کمی^{۱۵} و آماری پیدا کند و راه را برای بازشناسی بهتر فرایندهای ترجمه هموارتر و عملی‌تر سازد.

تشبیه^{۱۶} و فرایندهای ترجمه آن از فارسی به انگلیسی

تشبیه بنا بر آنچه در بالا گذشت یک صنعت ادبی است که موجب برجسته‌سازی متن می‌شود و شکل آن را تا حد یک هنر ادبی ارتقا می‌بخشد و به تعداد زیادی در متون ادبی فارسی چه در شعر و چه در نثر به کار برده می‌شود. در واقع تشبیه عامل بسیار فعالی در به وجود آوردن فرم ادبی کلام است و تأثیر فراوانی بر ساختار زبان دارد. تشبیه فرایندی است که طی آن موضوعی را به چیزی مانند کنند به شرطی که آن موضوع و آن شیء یکسان و همانند نباشند. سخنور (۱۹۹۶) تشبیه را به صورت زیر تعریف می‌کند:

"A similé uses *like, as, or than* to express a resemblance between two essentially unlike entities." e.g. "Her hair dropped down her pallid cheeks *like* seaweed on a clam." (P.54)

تعریف دیگر در انگلیسی در مورد تشبیه به صورت زیر است:

"Similé: A figure of speech in which one thing is likened to another in such a way as to clarify and enhance an image. It is an explicit comparison ... recognizable by use of the words, "like" or "as". (L.A. Guddon 1979. P.629)

بنابر روایتی بلاغیون ایرانی و اسلامی که تشبیه را از دیدگاه‌های مختلفی بررسی کرده‌اند، بنابر سلیقه خود، برای آنان تقسیمات مختلفی قایل شده‌اند که هشت نوع آن در اینجا نقل می‌شود* (داد ۱۳۷۱، ص ۷۵۰). در این منبع انواع هشت‌گانه تشبیه یکی یکی شرح داده شده است که نخستین نوع آن عبارت است از تشبیه مطلق یا صریح^{۱۷} و این همان‌گونه تشبیه است که در این مقاله مورد بررسی و توصیف قرار گرفته و صورتهای ترجمه‌ای آن به زبان انگلیسی مطرح گردیده است.

تشبیه صریح یا مطلق در زبان فارسی همان‌طور که همگان اطلاع دارند از چهار جزء یا رکن تشکیل می‌شود که سه رکن آن به‌طور عینی در صورت کلام صراحت می‌یابد، یعنی به صراحت بیان می‌شود ولی رکن چهارم آن به‌طور اختیاری یا به‌طور صریح^{۱۸} در متن بیان شده یا این‌که به‌طور ضمنی^{۱۹} در متن مستتر است و خواننده خود، آن را استنباط می‌نماید و به‌هر حال تعبیر شدنی است. این چهار جزء در جدول زیر ارائه می‌شود.

اجزای تشبیه

۱. مشبّه (a): و آن موضوعی است که به چیزی مانند شود.
۲. ادات تشبیه (b): و آن حرف اضافه تشبیه است که مجموعه بسته‌ای از حروف اضافه را تشکیل می‌دهند که عبارتند از چو، چون، مثل، مانند، بسان، بگردار و غیره.
۳. مشبّه به (c): و آن عاملی است که موضوعی به آن مانند می‌گردد.
۴. وجه شبه (d): و آن امکان مشابهت بین مشبه و مشبه به است که وجه مشترک بین آنها است. این اجزای تشبیه در مثال زیر ملاحظه می‌گردند.

	(a) مشبه	(b) ادات تشبیه	(c) مشبه به	(d) وجه تشبیه
	↓	↓	↓	↓
P:	shabi	chon	shabah	ruy shosteh be ghir
E:	the night	like	jet	in pitch

از بیت: شبی چو شبه روی شسته به قیر
نه بهرام پیدانه کیوان نه تیر
که معادل ترجمه‌ای این عبارات تشبیه در انگلیسی به صورت زیر آمده است:

The night (a) was like (b) jet (c) in pitch (d).

هدف این مطالعه

منظور عمده از این جستار تلاشی است در راه بررسی یکی از صناعات ادبی زبان که در زبانهای مختلف

وجود دارد و چگونگی ترجمه آن از زبان منبع (فارسی) به زبان هدف یا گیرا (انگلیسی). "فرض ۲۰۰" این بررسی این است که از لحاظ نظری گرچه تشبیهات زیادی در زبانهای مختلف به کار برده می‌شوند ولی ممکن است در شکل ساختاری آنها و نیز بین معادلهای ترجمه‌ای آنها تفاوت‌های گوناگونی شبیه به موارد زیر وجود داشته باشد:

ف الف: ممکن است نوعی (مُشبه و مشبه به) در زبانی وجود داشته باشد ولی نظیر آن در زبان دیگر وجود نداشته باشد.

ف ب: ممکن است (مشبه و مشبه به)های یکسانی در دو زبان وجود داشته باشند که بخوبی معادل ترجمه‌ای یکدیگر قرار گیرند.

ف ج: ممکن است (مشبه و مشبه به)های معادلی در دو زبان وجود داشته باشد ولی در ترجمه در ساختارهای متفاوتی وقوع حاصل نمایند.

ف د: ممکن است (مشبه) در هر دو زبان وجود داشته باشد ولی مشبه به آنها با یکدیگر متفاوت باشد.

ف ه: ممکن است ادات تشبیه از نظر نوع و تعداد در زبانهای مختلف با هم تفاوت داشته باشند.

در این تلاش، هدف اصلی بررسی زبان‌شناختی انواع معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی است که در دو داستان فردوسی (۱) بیژن و منیژه و (۲) رستم و سهراب به کار برده شده‌اند و آنگاه مطالعه تقابلی معادلهای ترجمه‌ای آنها به زبان انگلیسی و توصیف این معادلهها به‌طور عینی و زبان‌شناختی. ترجمه این دو داستان به‌وسیله برادران آرتو و ادموند وارنر انجام پذیرفته که اولی در کتابی تحت عنوان بیژن و منیژه با چاپ نفیس در سال ۱۳۷۲ منتشر شده و دومی نیز در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است.

شیوه بررسی

ابتدا ضمن مطالعه داستان بیژن و منیژه نسبت به شناسایی و استخراج تشبیهات مطلق یا صریح آن اقدام گردید ولی چون تعداد جمع‌آوری شده معادل ۴۶ فقره بیشتر نبود و برای انجام تحقیق کافی دانسته نشد، آنگاه به مطالعه و تشخیص تشبیهات مطلق یا صریح داستان رستم و سهراب نیز مبادرت شد و تشبیهات آن را نیز که بالغ بر ۴۸ فقره می‌شد استخراج کرده به لیست مواد مورد بررسی (corpus) اضافه نمودیم. در مرحله بعد معادلهای ترجمه‌ای آنها را که به زبان انگلیسی انجام گرفته بود و در کتاب مربوط در صفحه‌های مقابل آنها بچاپ رسیده بود نیز جمع‌آوری کرده و مقابل هر کدام قرار دادیم. سپس به بررسی مقابله‌ای معادلهای ترجمه‌ای انگلیسی پرداختیم. دیری نپایید که کاشف به عمل آمد که همه تشبیهات فارسی به گونه‌ای یکسان و به صورت‌های یکنواخت ترجمه نشده‌اند و نسبت به محتوا یا همبافت خود در انگلیسی تفاوت‌هایی پیدا کرده‌اند. دنباله بررسی را در بخش بعدی، تشریح خواهیم نمود.

الگوهای کلی معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

از مطالعه دقیق و بررسی ویژگیهای مشترک دسته‌های مختلف معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی، توانستیم آنها را به شش گروه کلی طبقه‌بندی کنیم و از هر گروه یک الگوی کلی‌ای را تعمیم دهیم و استنتاج نماییم. این شش الگوی مختلف یکی یکی در زیر معرفی و توصیف می‌گردند.

الگوی نخست معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

Persian: a b c d → English: a b c (d)

در الگوی نخست شکل روساختی یا ارکان تشکیل دهنده آرایه تشبیه در دو زبان منبع و گیرابا هم تطابق صوری دارند و ارکان تشبیه فارسی عیناً از نظر ساختار به ارکان تشبیه انگلیسی تبدیل شده‌اند با این تفاوت که وجه شبه جای ثابتی ندارد و ممکن است تغییر مکان دهد یا از روساخت حذف شود و به‌طور ضمنی استنباط گردد یا به اصلاح دستوری در آن مستتر باشد و یا اینکه به‌طور صریح در عبارت تشبیه قرار گرفته باشد و از نظر ترتیب کلمات در جایگاه مشابهی نیز قرار گرفته باشد. به همین دلیل اختیاری بودن وقوع و مکان وجه شبه انگلیسی، آن را در پرانتز نشان داده‌ایم. از تعداد ۹۴ عبارت تشبیه که به عنوان پیکره مورد بررسی جمع‌آوری شده بودند پنجاه و شش فقره آنها براساس الگوی نخست هستند. این پنجاه و شش فقره را برای نشان دادن ساختارها و تطبیق آنها با معادلهای ترجمه‌ای شان به زبان انگلیسی در زیر می‌آوریم.

فهرست معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

ردیف	شبهه	ادات تشبیه	مشبهه	وجه شبه	الگوی نخست: معادلهای ترجمه‌ای با ساختارهای همگونه P: a b c d → E: a b c (d)
الف: تشبیهات گردآوری شده از داستان بیژن و منیژه					
۱	شبی	چون	شبه (شوق)	روی شسته به‌قبر	<u>the night</u> was <u>like jet in pitch</u> a b c d
۲	لروش	چون	پرزخ	سیاهی	a <u>carpet black</u> as raven's plumes a (d) b c
۳	سپهر	چو	پولاد زنگارخورده	(نیکی) مستتر	<u>the air</u> was <u>like rust-eaten steel</u> ∅ a b c d
۴	شمع	چون	آفتاب	∅	a <u>candle like the sun</u> ∅ a b c (d)
۵	گراز	چو	پیلان	به دندان	<u>wild boars with tusks like elephant</u> a (d) b c
۶	گراز	همچو	کوه	به‌تن	<u>wild boars big as hills</u> a (d) b c
۷	هر یک	چو	کوه	برالکنده شدن	<u>he flung some headless trunks like mountains</u> (d) a b c
۸	آن لب جویبار	چون	بهشت	∅	<u>yon river's marge will be like paradise</u> a b c
۹	باغ	چو	آفتاب	درخشان	Manisha ... will make <u>that garden radiant as the sun</u> a (d) b c
۱۰	همه دشت	چو	بخانه چین	آراسته	<u>the plain bedecked throughout with riches like and idol-house in China</u> a (d) b d
۱۱	همه دشت	چو	چشم خروس	(آرایش)	<u>... decked the whole waste like the eye of chanticler</u> (d) a b c
۱۲	دو رخسارش	چو	گل	برشکفتن	<u>his cheeks bloomed like the rose</u> a (d) b c
۱۳	او (بیژن)	چو	سروبلند	(درآمدن)	<u>He like a stately cypress-tree</u> ∅ a b c d

(you) <u>thou like one bemused</u> \emptyset a b c d	(خواب‌گویی)	مست	بکردار	نو	۱۴
her cheeks were <u>like the spring</u> a b c	(مستر)	بهار	چون	رخ (منیزه)	۱۵
wild boars came <u>charging like</u> so many mountains a c b c	(اندر آمدن)	کوه	بکردار	گوازی	۱۶
the earth <u>beaved like the sea</u> a d b c	بردمیدن	دریا	بکردار	زمین	۱۷
then laid <u>the boars tusks hard as diamonds</u> a (d) b c	(برندگی)	الماس	چو	دندانهای گواز	۱۸
thou <u>fair-famed who like the sun are potent everywhere</u> a b c d	گسترده‌گی کام	خورشید	چو	نیک نام	۱۹
Rustam <u>roared like a savage lion</u> a (d) b c	خروش کشیدن	شیرزیان	چو	ار	۲۰
while Rustam <u>came forth like a lofty cypress</u> a (d) b c	(جلو آمدن)	سروبلند	چو	تهمن	۲۱
and <u>thou didst shout at me as fighters shout</u> a (d) b c	باتک زدن	جنگاوران	چو	نو	۲۲
Manizbah <u>left the forest like the wind</u> a (d) b c	بیامد	باد	بکردار	منیزه	۲۳
thou <u>didst bind my hands together firm as rock</u> a (d) b c	دست بستن	سنگ	بکردار	نو	۲۴
All cheeks <u>were ruddy as brocade of Rum</u> a (d) b c	رنگین	دبیای رویی	چو	همه رخ	۲۵
ب: تشبیهات گردآوری شده از داستان رستم و سهراب					
Rakhsh ... <u>raged like a mighty lion</u> a d b c	دیریومندی	شیرزیان	بکردار	رخش	۲۶
for never (since Maker made the world) hath there appeared <u>a cavalier like Rustam</u> (d) a b c	نژاد (نیامد پدید)	رستم	چو	سواری	۲۷
a charger ... <u>in strength like elephant</u> a (d) b c	بزرگ	پیلان	چو	اسب	۲۸
(a charger) ... <u>in flight like bird</u> a (d) b c	پریدن	مرغان	چو	اسب	۲۹
(a charger) ... <u>in water like fish</u> a (d) b c	به دریا	ماهی	چو	اسب	۳۰
(a charger) ... <u>on land like deer</u> a (d) b c	بیر (دوختگی)	آهو	چو	اسب	۳۱
Turan hath no such <u>brave hearts as Human</u> a b c	(-) مستر	هومان	چو	دلیر	۳۲
Turan hath no such <u>leaders as Badman</u> a b c	(-) مستر	بادمان	چون	سپید	۳۳
a woman <u>like some valiant cavalier</u> \emptyset a b c (d)	(سواری) مستر	گردی سوار	برسان	زنی	۳۴
she came down <u>like a lion</u> a (d) b c	لرود آمدن	شیر	بکردار	زنی	۳۵
she <u>sped like dust</u> a (d) b c	اندر آمدن	گرد	چون	زن	۳۶
He <u>urged his charger on like lightning</u> a (d) b c	عنان بر گرداندن	آذرخش ^{۲۱}	بکردار	(سهراب)	۳۷

<u>her face shone like the sun</u> a (d) b c	درفشان شدن	خورشید	چو	روی او	۲۸
<u>horseman hath appeared like Sam</u> a (d) b c	(آمدن)	سام گرد	مانده	سواری	۲۹
<u>ints hall was like a garden in the spring</u> a b c	دراواستگي	خرمبهار	بکردار	ایوان	۴۰
<u>perceived a warrior like a lofty cypress</u> d b	مستر	سروبلند	برسان	گوی (پهلوانی)	۴۱
<u>will I make the desert like a sea</u> Ø a b c	(-)	دریای آب	همچو	دشت	۴۲
<u>They wrestled like two lions</u> a (d) b c	دراویختن	شیران	چو	آنان	۴۳
<u>thou wrapped like nigh in gloom</u> a b c d	اندر سیاهی شدی	شب	چون	تو	۴۴
<u>[were thou] quit of earth wast soaring like a star</u> a d b c	بر سپهر شدن	ستاره	چون	تو	۴۵
<u>I came like lightning</u> a (d) b c	آمدن	برق	چون	من	۴۶
<u>like wind I go</u> b c a (d)	رفتن	باد	چون	من	۴۷
<u>he [my son] stands like me a slave before thy throne</u> a b c (d)	کهنر بودن	من	چون	او	۴۸
<u>thereat Gudarz returned like smoke</u> a (d) b c	سریع پیاده شدن	دود	بکردار	گودرز	۴۹
<u>the futher [Rustam] then lighting swift as wind</u> a (d) b c	سریع پیاده شدن	باد	چو	رستم (پدر)	۵۰
<u>He mounting his steed like dust</u> a d b c	(سرعت)	گرد	چو	بادپایی ۲۲	۵۱
<u>[he] brought the leaves down like a shower of rain</u> a [d] b c	فروریختن برگ	پاران	چو	مرد دلیر	۵۲
<u>and like a lion Rustam dashed him</u> b c a (d)	بر زمین زدن	شیر	بکردار	رستم	۵۳
<u>like some mad elephant he chased the boars</u> b c a (d)	رفتن به دنبال	پیل مست	چون	مرد دلیر	۵۴
<u>like some tall elephant it charged to ground</u> b c a (d)	(مستریلند)	پیل مست	چو	گور	۵۵
<u>whose tusks cut through trees like files cut through stone</u> a+a b c+c	سودن	سوهان بر سنگ	چو	دندان بر درخت سودن ۲۳	۵۶

به گونه‌ای که از جدول بالا مشاهده می‌شود، اجزای تشبیه در زبان فارسی به ترتیب به صورت (مشبه، ادات، مشبه، مشبه به و وجه شبه) در چهار ستون نوشته شده‌اند. این ترتیب معمولاً در نثر معمولی رعایت می‌شود. در نثر ادبی و در شعر به خاطر سجع یا ضروریات وزن و قافیه و سایر جنبه‌های ادبی ممکن است در این ترتیب، جایجایی‌های روساختی انجام پذیرد. در نشان دادن تشبیهات فردوسی برای سهولت بررسی، ما ترتیب زیربنایی آنها را در ستونهای چهارگانه رعایت کرده‌ایم تا ساختار ترجمه‌ای آنها را به زبان انگلیسی بررسی نماییم.

در زبان انگلیسی نیز تقریباً ترتیب قرار گرفتن آنها به طور منسجم تر a b c است لکن (d) که وجه شبه می‌باشد جایگاه نسبتاً متغیر دارد و نیز ممکن است به طور صریح در متن بیان شده باشد یا به طور ضمنی در آن

مستتر باشد. به همین دلیل آن را در پرانتز آورده‌ایم.
 به‌طور کلی در الگوی نخست، تشبیه صریح یا مطلق فارسی که دارای چهار جزء می‌باشد با معادلهای کم و بیش یکسانی به زبان انگلیسی ترجمه شده است که از نظر ساختاری یکسان به حساب می‌آیند.

الگوی دوم معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

Persian: a b c d → English: c+b a (d)

kudak cho mah tabidan a moon-like babe

در الگوی دوم، معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی دارای همان چهار جزء تشبیه یعنی (a) مشبه، (b) ادات تشبیه، (c) مشبه به و (d) وجه شبه هستند لکن ترتیب قرار گرفتن آنها و ساختار نحوی آنها در زبان انگلیسی با الگوی نخست تفاوت چشمگیر پیدا کرده است، بدین صورت که ادات تشبیه (b) که در این مورد همه like هستند به صورت پس جزء یا جزء دوم با خط تیره (-) به دنبال مشبه به (c) افزوده شده و با آن ترکیب واحدی را برقرار ساخته‌اند که یا صفت مرکب است که پیش از مشبه می‌آید آن را توصیف می‌کند یا این که به صورت مفعول مرکب، قید مرکب و غیره ظاهر می‌گردد و آنگاه به دنبال آنها وجه شبه به‌طور صریح یا به‌طور ضمنی قرار می‌گیرد. اگر به‌طور ضمنی باشد در آن استنباط می‌گردد و به اصطلاح در آن مستتر است. از این نوع معادل ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به انگلیسی شش فقره در پیکره مورد بررسی یافت شده است که در زیر ارائه می‌دهیم:

ردیف	مشبه	ادات تشبیه	مشبه به	وجه شبه	الگوی دوم: معادلهای ترجمه‌ای انگلیسی با صفت مرکب برای مشبه E: c + b a (d)
۱	کودکی	چو	ماه	تابندگی	a moon-like babe was born c+b a (d)
۲	بیژن	بگردار	شیر	به پیشه درآمد	lion-like he (Bizhan) went inside the forest c+b a (d)
۳	دندان دلیر	چو	رویه	مستتر	the beasts so fierce before grew fox-like a (d) c+b
۴	من	بسان	پلنگ	رزم‌جویی کردن	I challenged combat leopard-like a (d) c+d
۵	زمین	چون	دریا	جوئیدن	watchman ... saw earth heave ocean-like a (d) c+b
۶	نیزه‌ای	چون	ستون	(محکم)	his spear was pillar-like

به‌طوری که از جدول بالا مشاهده می‌شود، ادات تشبیه در زبان فارسی متنوعند اما در زبان انگلیسی تنها حرف اضافه like به کار برده شده که آن هم به صورت پس جزء صفت مرکب درآمد و تغییر نقش داده است.
 در مثالهای بالا همچنین مشاهده می‌شود که ساخت N-like عبارتی است که نقشهای مختلفی در جمله‌های مربوط یعنی جمله‌هایی که در آنها به کار رفته است ایفا می‌نماید. این نقشها را در زیر نشان می‌دهیم:

۱. صفت اسنادی یا توصیفی مثل: ... a moon-like babe
۲. صفت مسندی، یعنی بعد از فعل ربطی قرار گیرد مانند: ... was pillar-like, ...grew fox-like
۳. قید حالت، نظیر: I challenged combat leopard-like, heave ocean-like
۴. بدل، پیش از ضمیر، شبیه: ... lion like he

بنابراین، این نوع معادلهای ترجمه‌ای انگلیسی از تشبیهات فارسی، متحمل نوعی تأویل^{۲۴} در رو ساخت خود شده‌اند که از نظر ساخت نحوی در زبان انگلیسی طبیعی، مجاز و پذیرفتنی هستند و در عین حال تمام اجزاء تشبیه با مفاهیم مربوط به آنها به زبان انگلیسی انتقال داده شده است و هیچ‌گونه آفت معنایی خاصی حاصل نشده است.

الگوی سوم معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

در این الگو، معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات صریح یا مطلق فارسی، در انگلیسی به صورت تشبیهات مُضمَر یا غیر صریح ترجمه می‌شوند بدین صورت که اولاً ادات یا حرف اضافه تشبیه از رو ساخت معادل انگلیسی حذف می‌شود، ثانیاً مشبیه به به صورت بدل^{۲۵} بعد از مشبه قرار می‌گیرد و وجه شبه نیز اگر به صورت صریح در عبارت موجود باشد پس از آن ساختار یا پیش از آن قرار می‌گیرد یا این که به طور ضمنی در عبارت حضور می‌یابد و در آن مستتر می‌گردد. اگر بخواهیم ساختار این معادل را نشان دهیم به صورت زیر می‌باشد.

Persian: a b c d → English: a , c , (d)

Suhrab chon pile mast dast... Suhrab, that mad ..., reached out

برای آگاهی بیشتر و پی بردن به نوع معادل ترجمه‌ای، به نمونه‌های جمع‌آوری شده که در زیر آورده می‌شوند توجه شود.

الگوی سوم: اسم و بدل	وجه شبه	مشبه به	ادات تشبیه	مشبه	ردیف
Suhrab, that maddened elephant reached out a c d	دست زدن	پیل مست	چون	سهراب	۱
then came one boar, a very ahri-man, a c	(-)	اهریمن	چو	گرازی	۲
with a hundred handmaids-perfect pictures-...	(-)	نگار	چون	صد کنیزک	۳
I have not looked on ought resembling thee, O moonfaced one! a c	(-)	تو	چون	ماهرویی	۴
(Rustam) a savagelion prowling a c d	در آگاه نخبیرجوی	شیر	چون	رستم	۵
a colt ..., in strength a lion a d c	نر سپهر	شیر	چو	کرمای	۶
and sent her nurse, an envoy a c d	(فرستادن)	نوند	چون	دایه	۷

الگوی چهارم معادله‌های ترجمه‌ای تشبیهات فارسی در انگلیسی

در این الگو، ساختار معادله‌های تشبیه فارسی در زبان انگلیسی تفاوت فاحشی با ساخت صورتی تشبیه با زبان فارسی پیدا می‌کند که به این صورت است: اولاً بجای ادات تشبیه که همان حرف اضافه‌ی شبه باشد در این الگو پیوند وابسته‌ساز^{۲۶} که از نوع as می‌باشد به کار برده می‌شود که به دنبال آن یک جمله واره قید حالت^{۲۷} به وجود می‌آید. و چون جمله واره قید حالت در اکثر موارد در زبان انگلیسی مفهوم خلاف واقعی^{۲۸} را بیان می‌دارد، فعل آن به صورت التزامی است. لذا در نمونه‌های جمع‌آوری شده فعل و فاعلی که پس از as به کار برده شده‌اند به صورت 'twere است که شکل ادبی یا poetic دارد و در آن it با فعل were با هم به صورت مخفف درآمده‌اند.

ثانیاً جزء دیگر تشبیه یعنی مشبه به در نقش گزاره یا به طور دقیق‌تر مسند این جمله واره قرار می‌گیرد. بنابراین ساختار معادل ترجمه‌ای برخی از تشبیهات صریح یا مطلق فارسی در انگلیسی به صورت یک اسم و یک جمله‌واره قید حالت درمی‌آید که در رأس آن پیوند وابسته‌ساز به کار برده می‌شود. به گونه‌ای که در فرمول زیر ملاحظه می‌گردد.

Persian: a b c d → a + as + 'twere + c (d)

eg: قرمز سهیل چون رخسارگان

or → N + Adverbial Cl. of Manner (d)

the cheeks as 'twere compous of Yaman (color)

نمونه‌های جمع‌آوری شده از این الگوی ترجمه را در زیر می‌آوریم و بخشهای آن را نشان می‌دهیم:

الگوی دوم: (جمله واره قید حالت) + اسم	وجه شبه	مشبه به	ادات تشبیه	مشبه	ردیف
<u>the cheeks as 'twere compous of Yaman</u> a (b+c)	(قرمز)	سهیل یمن	چون	رخسارگان	۱
<u>had I a sword I would smite of his head as 'twere an orange</u> a (b+c)	کنده شدن	تزیج	چون	سرش	۲
<u>... roadred mighty as 'twere a cloud in spring</u> (d) (b+c)	فریدن	ابریهاری	چو	مرد دلیر	۳
<u>the gallant hero made his way inside as 'twere a lion after antelops</u> a (d) b adv. of M.	(سرعت رفتن)	سوی آهوان	چنان‌چون	درون رفتن مرد دلیر	۴
<u>He was again as 'twere a mount of steel</u> a adverb of M.	(استواری)	یکی کوه فولاد	بسان	رسم	۵

در ساختار عبارتهای انگلیسی تقریباً معادله‌های اجزای تشبیه فارسی وجود دارند و مفهوم آنها را به گونه‌ای می‌رسانند ولی در ساختاری به نوع دیگر که در برخی از شرایط نحوی به این گونه درمی‌آیند و متناسب با سبک و سیاق متن انگلیسی قرار می‌گیرند.

الگوی پنجم معادله‌های ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

در الگوی پنجم تعدادی از تشبیهات زبان فارسی به ساختار ویژه‌ای در انگلیسی ترجمه شده‌اند که از نظر

معنایی بخوبی معادل ترجمه‌ای آن قرار می‌گیرند ولی از نظر ساختاری به آن شباهتی ندارند که هدف از ترجمه خوب نیز همان انتقال معناست بدون رعایت و در نظر گرفتن ساختمان صوری دو زبان. موارد ترجمه‌ای این ساختار نسبتاً کم است، اما از نظر ساختاری بسیار منسجم، پایا و نظام‌مند می‌باشد و می‌توان آن را به صورت زیر توضیح داد:

در آغاز ساختار نخستین جزء تشبیه یعنی جزء مشبه (a) قرار می‌گیرد و در پایان آن مشبه به (c) رخ می‌دهد. در میان این دو جزء، ادات تشبیه به صورت as ... as یعنی حرف اضافه دوگانه تشبیه قرار می‌گیرد که وجه شبه را به صورت صفت در بر می‌گیرد. فرمول ساختاری آن بدین صورت نمایش داده می‌شود:

Persian: a b c d → English: a as...(d)...as c
 shab hamcho ruz derakhshan ... night as bright as day

در پیکره مورد بررسی تنها سه فقره از این الگوی ترجمه‌ای وجود داشته است که در زیر می‌آوریم:

ردیف	مشبه	ادات تشبیه	مشبه به	وجه شبه	الگوی پنجم: N ₁ (as Adj as) N ₂
۱	شب	همچو	روز	درخشنده	and may Azar make <u>nigh</u> _a as <u>brigh</u> _d as <u>day</u> _c
۲	کژمای	چو	باد	دربویه	<u>a colt</u> _a as <u>fleet</u> _(d) as <u>wind</u> _c
۳	سواری	چو	گرد	آمدن	<u>a cavalier</u> _a approaches from Iran as <u>swift</u> _d as <u>dust</u> _{b c}

آنچه در این الگو جالب توجه است این است که وجه شبه (d) همیشه در جمله صراحت دارد و نمی‌تواند به طور ضمنی با مستتر رخ دهد.

الگوی ششم معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی

معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات فارسی به زبان انگلیسی که تحت عنوان الگوی ششم دسته‌بندی شده‌اند آن دسته از ساختارهای متفرقه‌ای هستند که در واقع تابع هیچ الگوی کلی خاصی نبوده و به شکلها مفرد و خاص ترجمه شده‌اند و می‌توان اذعان کرد که ترجمه این گروه از تشبیهات فارسی بنابر سلیقه مترجم و شاید متناسب با سبک و متن زبان‌گیرا و نیز به علت دشواری در کشف مفهوم آن در زبان منبع به صورت عبارت تشبیهی در انگلیسی منتقل نشده یا لااقل در پاره‌ای از آنها حتی مفهوم تشبیه به انگلیسی آورده نشده و معادلهای نابرابر و نارسایی را به وجود آورده‌اند که در نتیجه همراه با افزایش معنا^{۲۹}، کاهش معنا^{۳۰}، و یا انحراف و عدم تطابق معنا در فارسی و انگلیسی می‌باشند. در دو مورد تشبیهات فارسی اصلاً به زبان انگلیسی ترجمه نشده‌اند و معادلی برای آنها در انگلیسی مشاهده نشده است.

به هر حال تمام این نمونه‌ها را در جدول زیر می‌آوریم.

ردیف	مشبه	ادات تشبیه	مشبه به	وجه شبه	الگوی ششم: ساختارهای متفرقه و غیر همگون
۱	شب تیره	همچون	گه روز	(مستتر) روشن	It seemed <u>day</u> _c with me in <u>dark nights</u> _a <u>stead</u> _b

Now with hand bound thou tellest woman's dreams	خواب گفتن	زنان دمه بسته	چو	تو	۲
wild boars, we threw their elephantine carcasses in heaps	برالکندن	پیلان	چو	گوزان	۳
Urmuzd himself be present in thier court,	نگهداری کردن	یهمن	چو	هرمز	۴
Bahman be guardian of thy throne and crown	نخت و کلاه				
thine both been as ancient fox's	(-)	روپاه پیر	چو	تو	۵
slipped in with a fairy's touch	نهانکاری	پری	بسان	دست رستم	۶
thy grace and crown are peerless	به نرو کلاه	نو	چو	کس	۷
she cried in thunder - tone	وله کرد	رعد خروشان	چو	دختری	۸
He thrust a deadly dart with all his strength	بردمیدن	آتش	برسان	هماورد	۹
(به انگلیسی ترجمه نشده است)	(-)	رستم	چو	جنگی (جنگنده)	۱۰
[Subrab] up - leaping with a lion's spring	از جاستن	شیردنده	چو	سهراب	۱۱
tugged a main as though thou wouldst have	دراویختن	پیل مست	چو	سهراب	۱۲
said torned the earth (معنا چندان ارتباطی ندارد)					
(به انگلیسی ترجمه نشده است)	از وی برگرفتن	گوی	بگردار	او	۱۳
He went toward a rival as one who	باز یافتن	جان رفته (مرد)	چو	رستم	۱۴
having fainted					

همان طور که از جدول بالا مشاهده می شود، دو فقره از تشبیهات فارسی اصلاً به انگلیسی ترجمه نشده اند و معادلی ندارند در بعضی از موارد ترجمه انگلیسی از مفهوم فارسی دور است و نارسا و ناموفق می باشد و بالاخره تعدادی هم مفهوم و تعبیر تشبیه فارسی را با ساختاری متفاوت می رسانند و پذیرفتنی هستند.

نتیجه بحث

از بررسی مقابله ای ۹۴ تشبیه فارسی از داستانهای "بیژن و منیژه" و "رستم و سهراب" با معادلهای ترجمه ای آنها به زبان انگلیسی به چندین نتیجه چشمگیر و واقعی می رسیم که به ترتیب در زیر توضیح می دهیم.

۱. این ۹۴ فقره تشبیه جمع آوری شده فارسی که به انگلیسی ترجمه شده اند، شش نوع ساختار معادل در انگلیسی را نشان می دهند که آمار درصدی آنها به قرار زیر می باشد:

٪۶۱/۵۵	الف) الگوی ساختاری نخست ترجمه با تطابق صوری نسبتاً یکسان
٪۶/۵۹	ب) الگوی ساختاری دوم ترجمه با عامل تعریف مرکب از like
٪۷/۶۹	ج) الگوی ساختاری سوم ترجمه با اسم و بدل
٪۵/۴۹	د) الگوی ساختاری چهارم ترجمه با جمله واره قید حالت as
٪۳/۲۹	ه) الگوی ساختاری پنجم ترجمه با کاربرد as adj. as
٪۱۵/۳۹	و) الگوی ساختاری ششم ترجمه با ساختارهای متفرقه و نارسا

۴. به طوری که از آمار درصدی الگوهای شش گانه بالا ملاحظه می گردد، بیش از ۶۰ درصد ساخت تشبیهات فارسی با معادلهای ترجمه‌ای خود در زبان انگلیسی (انگلیسی در الگوی نخست) همگونه و یکسان هستند. اما آیا این همگونگی ساختاری دلیل بر خوب بودن و موفق بودن ترجمه‌های تشبیهات فارسی (به الگوی نخست) در زبان انگلیسی می باشد؟ پاسخ صحیح به این پرسش این است که تعادل ساختاری لزوماً هیچ معیار و نشانی بر انتقال کامل و درست پیام از زبان منبع به زبان هدف یا زبان گیرا نیست و هیچ تضمینی برای موفق بودن کار مترجم نمی باشد. چرا که بهترین ترجمه آن است که بنا بر گفته میلدرد لارسن^{۳۱} (۱۹۸۶، ص ۶) از سه معیار اصلی برخوردار باشد. این سه معیار حاکی از این است که بهترین ترجمه آن است که:

الف) به ساخت طبیعی و ثر مال (هنجار) زبان گیرا تبدیل شود،

ب) تا آنجا که ممکن است همان معنایی که به وسیله سخنگویان زبان منبع [از متن زبان منبع] استنباط می گردد به سخنگویان زبان گیرا منتقل کند، و

ج) همان احساس و تأثیرات عاطفی که [سبک متن زبان منبع] می تواند در خوانندگان زبان منبع ایجاد کند، در متن زبان گیرا حفظ کند و در خوانندگان زبان گیرا به وجود آورد.

اگر این سه معیار را برای یک معادلهای ترجمه‌ای تشبیهات الگوی نخست مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می شویم که طبق فرضیه‌های شش گانه که در آغاز گفتار بیان داشتیم فقط حدود کمتر از نیمی از تشبیهات ترجمه شده در الگوی نخست براساس فرضیه ج می توانند معادل ترجمه‌ای خوب تشبیهات فارسی قرار گیرند چون "مشبه و مشبه به" های فارسی یا دارای "مشبه و مشبه به" یکسانی در زبان انگلیسی هستند یا اینکه می توان برای آنها "مشبه و مشبه به" یکسانی ساخت و آورد که در زبان انگلیسی بخوبی و به طور طبیعی جایگیر شود و شرایط معیارهای سه گانه بالا را حائز گردد و به دیگر سخن بخوبی ترجمه پذیر باشد. در این خصوص سه مثال از تشبیهات فارسی و معادلهای ترجمه‌ای آنها را در انگلیسی در زیر می آوریم:

۱. دو رخسار بیژن چو گل بر شکفت *his cheeks bloomed like the rose*

۲. او [رستم] چو شیر زیان خروش برکشیدن [خروشی چو شیر زیان برکشید]

Rustam roared out like a savage lion

۳. منیژه به کردار باد آمدن (از جنگل خارج شدن) [بیامد منیژه بکردار باد]

Monizheh left the forest like the wind

این ترجمه‌ها معنا یا پیام فارسی را بخوبی به انگلیسی انتقال داده‌اند و در این راستا اتفاقاً ساختاری نظیر تشبیهات فارسی دارند و این ساختارهای تشبیه در زبان انگلیسی هم طبیعی و مرسوم هستند و هم سبک و احساس اصیل خود را نیز به گونه‌ای پویا با خود همراه آورده‌اند.

۳. بیش از نیمی از معادلهای ترجمه‌ای الگوی نخست را می توان از نوع تحت‌اللفظی^{۳۲} به شمار آورد. ترجمه تحت‌اللفظی در تعریف آن است که معادل فرمهای زبان منبع را کماکان به زبان گیرا منتقل نماید و ترجمه‌ای که از این طریق حاصل می شود بخاطر محدودیتهایی که فرمهای زبان منبع بر آن تحمیل می کنند، غیر طبیعی، نامفهوم و ناپذیر خواهد بود.

لارسن (همان کتاب، ص ۱) در مورد ترجمه خوب می گوید:

"Translation is basically a change in form."

و سپس اذعان می‌دارد، "منظور از فرم عبارت است از واژه‌ها، عبارت‌ها، جمله‌واره‌ها، جمله‌ها، پاراگرافها و ... که به‌طور عملی و واقعی گفته یا نوشته می‌شوند." (ص ۱۰). برداشت مهمی که از این گفته خواهیم داشت این است که هم واژه‌ها و هم ساختارهای نحوی زبان هر دو جزء فرم یا شکل زبان محسوب می‌شوند و با توجه به این مطلب و به علت محدود بودن امکانات زمان و حجم مقاله تنها به بررسی یک نمونه از معادلهای انگلیسی تشبیهات فارسی می‌پردازیم که براساس الگوی نخست دارای ساختاری همگونه‌اند، اما تحت‌اللفظی و ناپذیرفتنی به‌نظر می‌رسند.

سپهر چو پولاد زنگار خورده [چو پولاد زنگار خورده سپهر]

the air was like rust-eaten steel

در این تشبیه و نیز معادل ترجمه‌ای آن، مشابه‌ها (سپهر = the air) و مشبه‌ها (پولاد زنگار خورده = rust-eaten steel) و ادات شبه (چو = like) هستند و وجه‌شبهه که مستتر است سیاهی و تاریکی همه‌جاگیر است که به‌طور ضمنی استنباط می‌گردد.

آیا مفهوم و معنایی که در مشبه فارسی یعنی "سپهر" است در معادل ترجمه‌ای آن یعنی the air هم وجود دارد؟ در فرهنگ دهخدا (ص ۱۳۴۴۲) ذیل سپهر نوشته شده که معنای حقیقی^{۳۳} [اصل یا ارجاعی]^{۳۴} سپهر در فارسی "آسمان" است و معانی مجازی^{۳۵} [ضمنی یا هاله عاطفی] آن "دنیا، روزگار، زمانه، سرنوشت و غیره" است و برای هر کدام یک یا چند بیت شعر به‌عنوان مثالهای کاربردی ذکر کرده است. نیز چنانچه به فرهنگ آکسفورد ادونسد لرنرز^{۳۶} (ص ۲۵) ذیل واژه air نگاه کنیم معانی گوناگونی را با ذکر شماره آن بیان کرده است، که در زیر می‌آوریم:

1. mixture of gasses surrounding the earth ..., 2. The earth's atmosphere,
3. appearance ..., 4. Melody or tune, 5. light wind ..., 6. about 10 idioms of air,
7. about 25 collocations such as: air-bed, air-brake, air conditioner, aircrew, air cushion, etc.

هیچ‌کدام از معانی لغات، اصطلاحات و ترکیبات هم‌نشینی air با واژه "سپهر" معنای یکسان و متناظری ندارد، "مشبه‌به" فارسی نیز که "پولاد زنگار گرفته" است به انگلیسی به rust-eaten steel ترجمه شده است که یک ترجمه تحت‌اللفظی غیرطبیعی است که برای سخنگویان انگلیسی هر معنایی ممکن است بدهد الا تیرگی شب و تاریکی آسمان. در انگلیسی با ذهنیتی که سخنگویان این زبان از steel و stainless steel دارند، ترکیب تشبیه the air was like rust-eaten steel نه تنها احساس بهت و وحشت تیرگی عمیق شب هنگام و پهنه گسترده آسمانی سیاه و پر عظمت را به ذهن انگلیسی‌زبانان بر نمی‌انگیزد بلکه برعکس ممکن است در آنها حالتی از ابهام، گیجی و بی‌زاری به‌وجود آورد که منظور از این لاطائلات چیست که "گازهای موجود در فضا که قابل تنفس کردند مثل فولاد ضد زنگ، پوسیده" باشند؟

البته واژه فولاد فارسی یا بهتر بگوییم پارسی، کارخانه ذوب آهن فولاد شهر اصفهان و کارخانه نبرد اهواز را به‌یاد می‌آورد و کارد و چنگالهای ضد زنگ آشپزخانه را که stain-less steel خیلی گران قیمت هستند، به‌خاطر

متبادر می‌سازد. اما برعکس آن اگر فولاد را به پ تبدیل کنیم یکباره حالت مجازی، شاعرانه و خیال‌انگیزی به آن کلمه می‌بخشد آن را نه یک فلز سخت بلکه یک عامل معنوی و فرهنگی می‌سازد که گویی در فرهنگ پارسی‌زبانان فولاد شکل افسانه‌ای فولاد است که رستم‌شان چون کوه فولاد استوار بوده و هیچ ربطی به فولادی که در مراکز اقتصادی و صنعتی معامله می‌کنند و در کارخانه فولاد شهر مبارکه تولید می‌نمایند ندارد، بلکه به شاهنامه منسوب است و به رستم دستان و فردوسی نامدار و در واقع بین فولاد و فولاد می‌توان گفت که این کجا و آن کجا. تفاوت از زمین تا آسمان است. و تفاوت در عدم حضور بار فرهنگی در فولاد وجود بار فرهنگی در فولاد است.

از این نوع واژه‌های فرهنگی باز هم داریم مثل فیل و پیل، فارسی و پارسی، پیروز و فیروز، اسفند و اسپند، سفید و سپید و غیره که بار فرهنگی آنها در ترجمه حائز اهمیت‌اند. اما به این حقیقت هم در عین حال اذعان داریم که صورت‌های پ دار این واژه‌ها، واژه‌های پارسی اصیل بوده‌اند که در سبک خراسانی هم به کار برده می‌شدند، اما پس از ورود این واژه‌ها به زبان عربی به علت عدم وجود صورت پ در عربی نزدیک‌ترین صوت^{۳۷} عربی در مخرج صوتی این زبان یعنی ف جایگزین آن شده و همه اینها معرب شده‌اند یعنی صوت ف پیدا کردند. بعدها پس از رواج سبک عراقی در ایران و گرایش به استفاده از واژه‌های عربی در زبان فارسی و حتی صورت معرب واژه فارسی، کاربرد این واژه‌ها در زبان فارسی رواج پیدا کرد و با ف نوشته شدند و سپس صورت ف دار آن کم‌کم در گفتار هم رایج گردید و صورت پ دار آنها منسوخ و نامأنوس شدند اما این مسأله بحث ما و حائز بودن بار فرهنگی این واژه‌ها را به هم نمی‌زند.

لذا، "مشبه و مشبه‌به‌ایی" که بار فرهنگی کمی داشته باشند و با معنای اصلی یا ارجاعی خود در تشبیهات به کار برده شوند هنگام ترجمه به زبان انگلیسی می‌توانند با معادلهای ارجاعی خود معادل یکدیگر قرار گیرند ولی واژه‌هایی که با معانی ضمنی، عاطفی، احساسی یعنی همراه با بار فرهنگی سنگین هستند نمی‌توانند به‌طور تحت‌اللفظی و با معنای اصلی یا ارجاعی واژه‌های انگلیسی معادل یابی شوند، چرا که غیرطبیعی، نامفهوم و ناپذیرفتنی از آب درمی‌آیند همانگونه که steel برای فولاد بکار برده شده آن هم از نوع زنگ خورده و زنگار گرفته‌اش. و همان‌طور که قبلاً متذکر شدیم بیش از نیمی از معادلهای انگلیسی‌الگوی نخست حالت تحت‌اللفظی به‌خود گرفته‌اند و تشابه ساختاری آنها به‌هیچ‌وجه نشانه و دلیلی بر ترجمه موفق آنها نمی‌باشد.

۴. در مورد ترجمه الگوهای دیگر و فرضیه‌های دیگری که داشتیم به علت کمبود وقت و طولانی شدن مقاله که محدودیت تعداد صفحه بر آن مترتب است به تجزیه و تحلیل و شرح و بسط نمی‌پردازیم بلکه به‌طور اجمال اذعان می‌داریم که الگوهای دوم تا پنجم که ساخت‌هایی متفاوت با ساخت عبارات تشبیهی فارسی دارند، اکثرشان به ساخت طبیعی زبان انگلیسی تبدیل شده‌اند و مفاهیم نسبتاً مناسبی را به این زبان منتقل کرده‌اند و پذیرفتنی می‌باشند ولی البته در صدی از آنها هم از نارساییهایی که در بالا ذکر کردیم برخوردارند.

در مورد معادلهای ترجمه‌ای الگوی ششم قبلاً بحث کرده‌ایم که اکثر آنها به صورت ترجمه "آزاد نامناسب"^{۳۸} هستند و بیش از این در این جا به آنها نمی‌پردازیم.

۵. آنچه می‌توان در پایان این بخش جمع‌بندی کرد این است که فرضیه‌های شش گانه‌ای که در ابتدای بحث مطرح گردید، همگی می‌توانند مصداق‌هایی در معادلهای ترجمه‌ای فارسی به انگلیسی خود داشته باشند که از نظر

کمی و آماری می‌توان آنها را به‌طور کم و بیش دقیق مشخص نمود و در این راستا به کمیّت معادلهای ترجمه‌ای یکی از صنایع ادبی (یعنی تشبیه) دست یافت تا در نتیجه آن و براساس آن بتوانیم به کیفیت و میزان ترجمه‌پذیری این صنعت ادبی پی ببریم، وقوف حاصل نماییم و درباره آن یک قضاوت ارزشی^{۳۹} به‌عمل آوریم.

باز هم آنچه از گفتار بالا استنباط می‌شود یا منظور نگارنده است این است که ترجمه ادبی یک موضوع بسیار وسیع، فراگیر و کلان است و برای این که بتوانیم به کم و کیف فرایند و راهکارهای آن در ترجمه پی ببریم و حقایق مربوط به آن را کشف کنیم، ابتدا لازم است به بررسیهای متعدد خرد و جزء به جزء در مورد تک تک صناعات ادبی و "قواعد افزایشی" که به متن زبان اعمال می‌گردند تا موجب برجستگی و برجسته‌سازی آن شوند بپردازیم و آنها را مورد پژوهش و مطالعه قرار دهیم تا از جمع‌بندی داده‌ها و یافته‌های آنها به نتایج کلان برسیم. آنچه تا اینجا بحث کردیم در مورد ترجمه متون ادبی بود، اما در زبان نقشهای دیگر و متون دیگری هم هستند که همین نوع پژوهشهای متعدد را در مورد خود ایجاب می‌کنند، لذا مطالعات ترجمه‌شناسی فعلاً در آغاز راه است و برای به ثمر رساندن اهداف خود و یافتن پاسخهایی به پرسشهای خود راه درازی را در پیش دارد و امید که در آینده زمینه‌های ترجمه‌شناسی برای علاقه‌مندان به این رشته هرچه بیشتر روشن‌تر و مشخص‌تر گردد تا بتوان شاهد تلاشهایی بیشتر و سودمندتری در این راه باشیم.

پانویسها

- | | |
|---|--------------------------------|
| 1. Jacobson | 11. expression |
| 2. Formalists | 12. rhetoric |
| 3. Jan Mukarovsky | 13. embellishments |
| 4. aesthetic function | 14. receptor language |
| 5. Leech | 15. quantitative |
| 6. automatization | 16. similé |
| 7. foregrounding | 17. absolute / explicit similé |
| 8. diviation of norms | 18. explicitly |
| 9. addition of rules | 19. implicitly. |
| 10. figurers of speech / literary devices | 20. assumption |

۲۱. دارای اسبی قوی و آتشین که معادل ترجمه‌ای آن lighting آمده است و نارسا می‌باشد.

۲۲. he معادل بادپای به کار برده شده است که معادل نارسایی است.

۲۳. این تشبیه از نوع مرکب است چون در آن "دندان" به "سوهان" و "درخت" به "سنگ" تشبیه شده است.

- | | |
|--------------------------------|--|
| 24. skewing | 32. literal translation |
| 25. apposition | 33. denotational meaning |
| 26. subordinating conjunction | 34. referential meaning |
| 27. adverbial clause of manner | 35. figurative meaning |
| 28. contrary to fact | 36. Oxford Advanced Learner's Dictionary |
| 29. gain | 37. nearest neighbouring sound |
| 30. loss | 38. unduly free translation |
| 31. Mildrd L. Larson, | 39. value judgement |

کتابنامه

۱. داد، سیما. (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران، انتشارات مروارید
۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه، (دوره جدید) تهران، مؤسسه لغتنامه دهخدا - دانشگاه تهران
۳. سلدن، رامان، (ترجمه جلال سخنور و سیما زمانی) (۱۳۷۵). *نظریه ادبی و نقد عملی*. تهران مؤسسه فرزانهگان پیشرو
۴. صفوی، کورش. (۱۳۷۳)، *از زبان شناسی به ادبیات*. تهران: نشر چشمه
۵. فردوسی، ابوالقاسم، "بیژن و منیژه" (ترجمه آرتور - ادموند وارنر) (۱۳۶۳) تهران: پیام تو
۶. فردوسی، ابوالقاسم، "رستم و سهراب" (ترجمه آرتور - ادموند وارنر) (۱۳۷۷) تهران: انتشارات آتلیه
۷. هادی، روح الله (۱۳۷۳)، *آرایه های ادبی (قالبهای شعر، بیان و بدیع)*، تهران: وزارت آموزش
۸. همایی، جلال. (۱۳۳۹). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: انتشارات عطایی
9. Guddon, J.A. (1977). *A Dictionary of Literary Terms*. Great Britain: Penguin Books
10. Larson, L. Mildred. (1984). *Meaning-based Translation*. U.S.A., U. Press of America, Inc.
11. Hornby, A.S. (ed.) (1989). *Oxford Advanced Learner's Ditionary*. (fourth Ed.) Oxford: U. of Oxford
12. Selden, Roman. (1985). *A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*. Suseex: The Harvester Press. Ltd.
13. Sokhanvar, Jalal. (1999). *A Compendious History of English Literature*. Tehran: Zabankadeh Publications.
14. Sokhanvar, Jalal. (1996). *The Practice of Literary Terms*. Tehran: SAMT.